

<b>اندیشه راهبر</b>
---------------------

### «انقلابی» را بد معنا می‌کنند!

**رهبر معظم انقلاب:** «هدف‌های انقلاب» که گفتیم، یعنی چه؟ یعنی پیشرفت کشور، عدالت اجتماعی در کشور، اقتدار کشور، تشکیل جامعه اسلامی در کشور و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی؛ هدف‌های انقلاب اینهاست. باید دید برای رسیدن به این هدف‌ها، برای رسیدن به عدالت اجتماعی، برای رسیدن به پیشرفت واقعی کشور -نه پیشرفت‌های پوشالی و ادعایی؛ پیشرفت‌های همه‌جانبه، مادی و معنوی- برای رسیدن به جامعه اسلامی که احکام اسلام به‌معنای واقعی در آن پیاده‌شود و مردم بهره‌مند بشوند از تحقق این احکام و در نهایت برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، چه کارهایی لازم است. آن کارها را در حد توانمان انجام بدهیم؛ هر کس‌ی در حد توان خودش، بنده یک جور، آن مسئول یک جور، آن دانشجو یک جور و…»(۱۳۸۰/۱۲/۴)

آز نظر من [راهش تربیت نسلی است با یک خصوصیاتی که آن خصوصیات اینهاست؛ یک نسلی باید به‌وجود بیاید شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خوبادور، غیره- البته خوشبختانه ما امروز در نسل جوان بسیاری از این خصوصیات را داریم اما این بایستی گسترش پیدا کند-چنین نسلی لازم داریم،بایستی ایمان داشته باشد، سواد داشته باشد، شغرت داشته باشد،شجاعت داشته باشد،خوبدواری داشته‌باشد،انگیزه کافی برای حرکت داشته‌باشد،توان جسمی وفکری حرکت داشته‌باشد،هدف را در نظر بگیرد، چشم‌راه اهداف دور متوجه ی‌کند و به تعبیر امیرالمؤمنین «عزالله جمُحْمَنک» زندگی خودش وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی،معنای انقلابی این است.بعضی‌ها از روی دشمنی،انقلابی را بد معنا می‌کنند،انقلابی را به‌معنای بی‌سواد، بی‌توجه‌بی‌انضباط نمی‌دانند؛آنخبر،انفقا درست بعکس است،انقلابی یعنی دارای سواد، دارای انضباط، دارای تدین، دارای حرکت، دارای عقل، خردمند. ما یک چنین نسلی لازم داریم. این نسل نسل جوان ماست. سرمایه این حرکت، این نسل است و موتور محرکه این حرکت هم نخبگان جوانند؛نخبگان این‌جوری هستند. شماها موتور محرکه‌اید. اگر شما خوب کار کردید این نسل جوان در همین جهتی که عرض کردم، حرکت خواهد کرد. علت اینکه بنده به نخبگان اهمیت می‌دهم و وجود آنها را قدر می‌دانم اینهاست.نخبه ارزش دارد.»(۱۳۸۰/۷/۲۸)

<span></span>	<span></span>
---------------	---------------

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><span></span></div></div>	
<b>کتاب اندیشه</b>	
<b>«جمع‌ها و حاصل جمع‌ها»</b>	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><span></span></div></div>	
کتاب مذکور اثری تقریبا جدید است که مبتنی بر آثار و نوشته‌های مرحوم استاد علی صفایی حائری تدوین شده توسط انتشارات لیله‌لقدر در دسترس علاقه‌مندان به مباحث دینی و تشکیلاتی قرار گرفته است. این کتاب در ذیل نگاه	
نظام‌مند تربیتی و معرفتی نوع صفایی سعی دارد به روش‌های افزایش بهره‌وری در تشکل‌های فرهنگی و تربیتی بپردازد. قلم روان و اندیشه‌ناپ علی صفایی که دیرزمانی است با عنوان اختصاری و استعاری (عین-صاد) شناخته می‌شود، این کتاب را خواندنی کرده است. کتاب از یک مقدمه مهم و ۴ فصل اصلی تشکیل شده که در بخش مقدمه با عناوین «جمع‌ها و مسئولیت‌ها»، «ضرورت تشکیل و جمع» و «حاصل جمع‌ها» روبه‌رو هستیم. در فصل اول با عوامل تشکیل جمع مواجهیم، مانند: «خستگی از تنهایی‌ها و تنوع طلبی‌ها»، عادت‌ها و تصادف‌ها، غریزه‌ها و الفت‌طلبی‌ها و… در فصل دوم اهداف تشکیل و وظایف جمع با سر فصل‌های «سیر افراد در تنهایی» و «سیر افراد در جمع» و «بازاری‌های افراد در جمع» و… مورد بحث جدی قرار گرفته است. این فصل در مقایسه با دیگر فصل‌های کتاب از حجم مطلب بیشتری برخوردار است. فصل سوم نیز با عنوان «جمع بارور، حاصل جمعی بیشتر» به عوامل و زمینه‌ها و موانع رشد جمعی و همچنین اهداف و همت‌های جمع و آثار و نتایج جمع‌های بارور الهی پرداخته است. شاید آنچه اهمیت این کتاب را بالای برداستاناتی است که علی صفایی حائری از قرآن و سنت و نگاه تجربه‌پشری الهی می‌کند تا منطبق مطالب خود را مطابق با همان روش اجتهادی خود پیش ببرد.	
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div><span></span></div></div>	
<b>اندیشه رسانه</b>	<b>دکتر حسن شفیعی</b>

### رسانه و هویت‌های انسانی

یکی از مسائل روان‌شناختی درباره اینترنت، «هویت ناشناس کاربر» است. هویت، واجد ۳ عنصر است: عنصر شخصی، فرهنگی و اجتماعی که هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در مقایسه‌ها، هویت شخصی ویژگی بی‌همانی فرد را تشکیل می‌دهد و هویت اجتماعی در پیوند بسا گروه‌ها و اجتماعات عملیه، قرار می‌گیرد. اینترنت صحنه فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد. در این فضای عمومی، مهارت فرهنگی جدیدی لازم است تا با تنظیمات و مسائلت‌های فیلیم، حفاظت‌کردن و حرکیت‌های مردم است که چگونه کار بر اینترنت خود را برای مخاطبان جهانی معرفی می‌کند برای بیان افکار، احساسات، علایق و آراء، از متن مناسب، گرافیک، صدا و فیلیم استفاده می‌نماید. «میلر» هنگام ذکر اهمیت و پیوندهای پایگاه شخصی می‌گوید: «به من یگولینک‌هایت چیستند تا بگویم که چه شخصی هستی. با امکانات و گزینه‌های فراوانی که رسانه‌های عمومی از جمله اینترنت از اختیار جوانان می‌گذارد، آنان دائماً با محرک‌های جدید و انواع مختلف سبک رفتاری آشنایی شوند چنین فضایی هویت نامشخص و دائماً متغیری را می‌فریند، خصوصاً برای نسلی که در مقایسه با نسل پدنا کند لذا ممکن است اینترنت در ایجاد همچنین از طریق رسانه‌های جمعی، افراد خط مفروض میان فضای عمومی و خصوصی را تجدید سازمان می‌کنند و این امکانی است که جوانان فعالانه از آن استفاده می‌کنند. جوان، به‌خصوص در دوران بلوغ که مرخص شکل‌گیری هویت اوست و همواره به‌دنبال کشف ارزش‌ها و درونی‌کردن آنهاست، با اینترنت و حجم گسترده، حیرت‌انگیز و گوناگون اطلاعات مواجه می‌شود و ناچار است که در این دنیای مجازی، هویت خویش را از این طریق پیدا کند لذا ممکن است اینترنت در ایجاد هویت‌یابی جوانان اثر منفی داشته باشد. از سوی دیگر، گاهی برخی از ویژگی‌های شخصی مانند: سن، تحصیلات، محل سکونت و حتی جنسیت در اینترنت از بین می‌رود؛ به‌عنوان نمونه، بسیاری از افرادی که در اتاق‌های چت مشغول گفت‌وگو یا یکدیگر هستند، با مشخصاتی فرهنگی‌واقعی ظاهر شده‌از زبان شخصیتی دروغین که از خود ساخته‌اند و آن را به مخاطب یا مخاطبان خود معرفی کرده‌اند، صحبت می‌کنند و همین شخصیت‌های ناشناس تأثیرات شگرفی را بر یکدیگر می‌نهند.

## اندیشه

**حجت‌الاسلام محمدصادق حیدری**
عضو هیأت‌علمی «حسینیه‌اندیشه»

متن پیش‌رو، از سری مقالات با عنوان فتنه اعتقادی؛ مشروطه اقتصادی است که بنا دارد با مروری بر سنت دینی و تاریخ، عبرت‌های مهمی را در زمینه اقتصاد ارائه کند. در این شماره با مقایسه نهضت مشروطه و نهضت ملی‌شدن نفت با انقلاب اسلامی، به نقاط ضعف و قوت آنها پرداخته شده تا برای دوران کتونی که نوعی «مشروطه اقتصادی» است، آورده‌ای داشته باشد.

مرحوم محدث نعمانی روایتی در کتاب «الغیبه» درباره سیره حضرت صاحب‌الامر (عج) و مشابهت رفتار آن حضرت با سیره نبی اکرم(ص) نقل کرده؛ یعنی همان مسئله‌ای که حضرت باسخت این سلسله یادداشت است: «فَإِنَّ نَسَائْتَهُ عَزَّ وَجَلَّ الْهَدَى كَيْفَ سِيرَتُهُ؟ قَالَ: يَضَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا». وقتی از امام صادق(ع) سؤال می‌شود که سیره حضرت ولیعصر(عج) در زمانه که ظهور و قیام می‌کند چگونه است؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «ایشان همانند پیامبر(ص) عمل می‌کند، یعنی آنچه از بدعت‌ها و احرف‌افات) قبل از ایشان برقرار است را از بین می‌برد همانند پیامبر اکرم(ص) که جاهلیت و وضعیت جاهلی جامعه را منهدم و نابود کرد. امام زمان(عج) اسلام را از نو بنیان می‌گذارد». پیامبر اکرم(ص) روابط اجتماعی جاهلیت را نابود و یک روابط اجتماعی جدید را ایجاد کرد.

ساختارهای جاهلیت فقط مربوط به جامعه عرب نبود بلکه قبل از بعثت نبی اکرم(ص)، همه بشر دچار جاهلیت اولی بود و ساختارهای آن در تمامی جهان جاری داشتند؛ یعنی جاهلیت اولی، روابطی جهانی و تمدنی بوده که مختص به جغرافیای شبه جزیره نبود. در خطبه قاصعه امیرالمومنین(ع) نیز به آن اشاره شده: «امرا تسلبهت القرون فیه و تنابتت القرون علیه». محور روابط و ساختار سیاسی دوران تمدن جاهلیت، مسئله خون، خاندان، نسل، نژاد و قبیله بود. این امر منشا قدرت و حاکمیت در سطح قبیله، احکامات و امپراتوری بود. یکپارچه اکرم(ص) این روابط سیاسی برای ایجاد قدرت را هدم کرد. حضرت بسرای محقق‌کردن توحید به این روابط ضربه زد، زیرا کفر و بت‌پرستی آن دوران، به قبیله‌محوری گره خورده بود؛ بدین صورت که رؤسای قبایل برای تخلیه شهوات خود مردم را به استعمار می‌کشاندند و هم‌زمان برای تحقق این امر، ادبیات و فرهنگی به‌نام «بت‌پرستی» یک محیط و فضای اجتماعی نبوده که مردم به‌دلیل شک و تردید در اثبات واجب‌الوجود، به بت‌پرستی گرایش پیدا کرده باشند بلکه رئیس قبیله که همه هویت و زندگی و نیان آحاد قبیله را به‌خود گسره زده بود، برای بلعیدن تمام مقدرات آنان، زبان و فرهنگی در قالب «بت‌پرستی» به راه انداخته بود. لذا تمام سلاطین و رؤسای قبایل در پیوند کامل با کاهنان و اهالی معابد بودند.

این مقدمه‌ای بود تا به تحلیل و بررسی یک سؤال بپردازیم که توسط مقام معظم رهبری نیز مطرح شده: «چرا نهضت مشروطه که یک نهضت بخشی و موضعی بود و ادعای همه‌جانبه نداشت و فقط در صدد معیاد کردن سلطنت و نظام پادشاهی

## اندیشه



فتنه اعتقادی؛ مشروطه اقتصادی

# مشروطه غیر مشروع؛ مصداق تسلط کفر

به قانون بود، شکست خورد و اهدافی که علما در صدد تحقق آن از مشروطه بودند به‌دست نیامد. همچنین چرانهضت ملی‌شدن صنعت نفت که فقط به‌صورت بخشی و درباره صنعت نفت بود، توفیق پیدا نکرد؛ اما نهضت حضرت امام(ره) که یک اقدام همه‌جانبه و بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر و گسترده‌تر از آنهضت قبلی داشت و در صدد سرنگونی یک نظام سیاسی و ایجاد یک نظام جدید بود، پیروز شد؟»

در پاسخ به این سؤال و با تکیه بر مقدمه و روایتی که در ابتدای بحث مطرح شد باید گفت که شکی نیست که قیام و مجاهدت‌های آیت‌الله شهید شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله شهید مدرس و آیت‌الله کاشانی، بالاترین سطح خندنداری و از یقین‌های محکم و نورانی در دوران خود بوده است اما در دوران غیبت و عدم‌ارتباط مستقیم با علم لدنی معصومین(ع)، بالاخره عقلاینه سال‌ها در معرض نفوذ و تسلط سیاسی جدید بود که حتی غیر مشروع برای سرنگونی نظام شاهنشاهی بود؛ اکتفا به مشروط‌کردن قوانین نمی‌توانست باعث بلکه نظام سلطنتی و سیراوق، قوانین نامتاسب با شرایط را در عمل دور می‌زدند. بنابراین ایده قانون‌محوری و حفاظت از رعایت احکام شرع در برابر هر چه موضوع هم‌جانبه‌محور است که در نظر سیاسی جدید و همه جانبه، یک هدف‌بخشی بود که در عمل نیز محقق نمی‌شد.

از این‌رو به‌نظر می‌رسد دلیل اصلی پیروزی حضرت امام(ره) (الته بعد از ۱۵ سال تبعید، غربت، فشار، مظلومیت‌ها، شکنجه‌ها، شهادت‌ها و…) تصمیم برای سرنگونی نظام شاهنشاهی بود؛ یعنی همان هدفی که نبی اکرم(ص) در صدر اسلام محقق کرد: «هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيدًا» در واقع وقتی در برابر هر چه موضوع هم‌جانبه‌محور است باید به‌صورت همه‌جانبه قبول مسئولیت کنید و کل مجموعه را تغییر دهید. حضرت امام به درستی فهمید به‌علت تسلط جریان اراده کفر بر نظام سلطنتی، نباید این نظام مبدأ قدرت و منشا تقسیم قوا باشد از این‌رو، با پرهیز از برخورد «بخشی» با این چالش، برای نخستین بار در تاریخ فقهات، بحث جدید درباره «ولایت قبیله» را مطرح کرد. بر این اساس، به آن نظر علمی، مسئولیت پایه‌ریزی یک نظام دیگر را به‌عهده گرفت و هم از نظر عملی، تحقق این نظام را رهبری کرد.



حضرت امام (ره) نیز با عبرت و جمع‌بندی درست از این فراز و فرودها بود که توانست از همان ابتدا در زمین دشمن نرود. لذا ایشان نه «حزب» تشکیل داد تا با آن در انتخابات شرکت کند و نه مسئولیتی یکی از ارکان نظام سیاسی شاه را به‌عهده گرفت بلکه متوجه همه‌جانبه‌بودن ساختار نظام شاهنشاهی و وابستگی آن به نظام کفرآمیز سلطه جهانی شد و برای اینکه از آن دور نخورد، به مبارزه با تمام هیمنه این نظام پرداخت و دستگاه سیاسی نوینی را مطرح کرد.

## همیشه‌ری

<b>اندیشه تمدنی</b>
---------------------

### امکان وحدت در وضعیت تنوع

تمدن به‌معنای «کلان‌ترین نظام (برنظام) مناسبات انسانی» پیوسته در حال تحول (تحول دوری و حلزونی، تحول صعودی یا نزولی) و تسری به جوامع انسانی دیگر است. این اثر نظام نه یک مجموعه انباشته از عناصر و سازه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بلکه یک ابرسیستم کلان انسانی است. در این تعریف از تمدن که معنای آن به مفهوم «امت» در قرآن نزدیک‌تر می‌شود، تکرر گروه‌ها، فرهنگ‌ها و به‌طور کلی واحدهای اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. به بیان دیگر در یک تمدن سخن از یک فرد، یک ملت یا یک زبان و حتی یک آیین نیست. هر چند ممکن است یک آیین و یک فرهنگ در تمدنی غلبه داشته باشد لیکن در یک تمدن، همواره انسان‌های مختلف، فرهنگ‌های متعدد و زبان‌های گوناگون وجود حضور دارند. نقش و کارکرد تمدن در این وضعیت، ایجاد ارتباطی انسانی، اخلاقی و عادلانه در میان همه اینای انسانی است.

با توجه به این رویکرد در تحلیل ماهیت تمدن و در پاسخ به مسئله «وحدت در وضعیت کثرت» می‌توان وحدت را به ۲‌صورت حداقلی و حداکثری یا به‌معنای دقیق‌تر وحدتی طبیفی که معطوف به شرایط و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی باشد، تعریف و ترسیم کرد. در وحدت حداکثری، نه‌تنها ظواهر و رفتار‌های کلان اجتماعی همسو هستند (آنچه در وحدت صوری و حداقلی مطرح است) بلکه افکار، ارزش‌ها و باورها و همین‌طور عقلا‌نیت جمعی یک تمدن نیز از وحدت، همسویی و درهم‌تنیدگی برخوردار است. عامل وحدت در تمدن‌ها همیشه و همه‌جا یکسان نبوده است. عامل وحدت در تمدن‌ها منوط به شرایط و آمیخته به زمینه‌ها و زمانه‌هاست. مطالبات انسانی، شرایط انسانی و اراده‌های انسانی و بالاخره مشیت الهی (در نگرش دینی) سبب می‌شود که نه‌تنها هر تمدنی در دوره زمانی خود انسجام خاص خود را ایجاد کند بلکه حتی یک تمدن خاص نیز در طول تاریخ شکل‌گیری‌اش -به‌موجب شرایط متفاوت زمانی و مکانی‌اش - عوامل متعددی را در ایجاد انسجام و وحدت تمدنی تجربه کند و متن و حاشیه‌های متفاوتی را برای بقای وحدتش برگزیند. اینکه متن و مرکز یک تمدن چه باشد و حواشیی و فروع آن چگونه باشد، وابسته به نیازهای انسانی، اراده‌های انسانی و شرایط زیستی انسان در آن عصر است که برخی از عوامل را به متن می‌آورد و برخی دیگر را به حاشیه می‌برد. به‌رغم این باید دانست که در هر وضعیت متنوع و متفاوت، عامل تصمیم در تمدن‌ها و عامل تصمیم در انسجام تمدنی، عامل انسانی بوده و انسان در همه شرایط براساس قوانین مشترک انسانی (قوانین فطری انسان)، تاریخی (سنن تاریخی) و الهی (سنن الهی) به اراده و اختیار دست می‌زند. هر قدر اراده‌های انسانی در جهت رفع نیازهای انسانی باشد و هر میزان تلاش انسانی در جهت مطابقت با قوانین هستی شکل بگیرد و از سوی دیگر، هر مقدار ادبیات رایج در تمدن برای مخاطبان انسانی مفهوم و معقول باشد و ارزش‌ها و باورهای آن جامعه، باورهای انسان بنیان باشد، فرایند تمدنی در عین کثرت فراوانی، به سمت وحدت خواهد رفت.



بدین سان باید تأکید کرد که همیشه در هر تمدنی تکرر وجود دارد و این تکرر‌ها می‌تواند در مسیر وحدت و درهم‌تنیدگی (تکرر بیشتر به‌مثابه ظرفیت) پیش برود و از تکررات اختلاف‌فزا و نزاع‌های اجتماعی (تکرر به‌مثابه یک مشکل) فاصله بگیرد. آنچه در دل این کثرات تمدنی، موجب تمایز یک تمدن از دیگر تمدن‌ها می‌شود، مرکزیت یک عنصر از عناصر تمدنی است. همواره همه تمدن‌ها اجزا و عناصر متنوع و متعدد و البته همسانی دارند. همین‌طور همه تمدن‌ها از عامل وحدت برخوردارند و اساساً بدون چنین وحدتی، تمدنشان شکل نمی‌گیرد. آنچه این تمدن‌ها را از هم متمایز می‌کند، عامل‌های متفاوت در مرکز و محور یک تمدن است. عامل مرکزی در تمدن غرب، ممکن است علم (تحلیل وبر) یا پول (تحلیل گئورگ زیمل) باشد. عامل وحدت در تمدنی مانند تمدن اسلامی، ممکن است دین، قرآن یا حتی یک شخصیت کاریزمایی (به تعبیر برخی از خاورشناسان) همچون پیامبر گرامی اسلام باشد. در این میان به این نکته باید اشاره کرد که صرفاً بسا ایجاد وحدت (با عنصر مرکزی) بین اجزای مختلف تمدن، پروژه وحدت تمدنی به انجام نمی‌رسد. افزون بر اینکه عنصر مرکزی تمدن باید بتواند مثلاً بین مقوله زبان و مقوله دین هماهنگی و همسویی ایجاد بکند، باید بتواند تعدد و تنوع زبانی را نیز در فرایند همسوسازی، به ظرفیت بدل کند و از آن در راستای ساخت وحدت کلان تمدنی استفاده کند. همین‌طور در این فرایند تمدنی باید بتوان بر تعدد و تنوع مذاهب، فرق و ادیان گوناگون غلبه کرد و نوعی از وحدت تمدنی به‌وجود آورد و از شکاف مذهبی و دینی در تمدن جلوگیری کرد. بنابراین افزون بر ایجاد وحدت و هماهنگی بین اجزا و عناصر گوناگون تمدن باید در فکر ایجاد وحدت بین تکشر و تنوع زبانی، دینی، هنری، فرهنگی و… نیز بود.

لازم به تأکید است که تکثیر و تکثر اسلامی بسیار متفاوت از تکثیر و تکثر بیست‌مدرن و نسبت‌گراست. اساس و پایه در تکثر اسلامی (کوثری) بی‌نهایت‌بودن، شامل‌بودن و جامع‌بودن حقیقت توحیدی است که تواند زمینه‌های بسیار فراخی داشته باشد و پدیدهای مختلفی بسازد متعدد و متنوعی را در خود جای دهد ولی تکثر پسامدرن در همان تکاثر ریشه دار، مبتنی بر واقعیتی محدود، ناقص و پار‌پاره است.

پ.ن: برگرفته از کتاب «تنوع و تمدن در اندیشه اسلامی» اثری از دکتر حبیب‌الله بابایی